



با موافقت مقام معظم رهبری صورت گرفت

عفو و تخفیف مجازات تعدادی از محکومان

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: به مناسبت اعیاد سعید قربان و غدیر خم، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با عفو یا تخفیف و تبدیل مجازات هزار و ۷۰ نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب، سازمان قضائی نیروهای مسلح و تعزیرات حکومتی...

صفحه ۲

چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۸ • ۱۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ • ۲۱ آگوست ۲۰۱۹



افشاگری زاکانی از تخلفات گسترده در جریان پرونده پتروشیمی گیت در نامه به رئیس قوه قضائیه

تبان‌ی طبری با جعبه سیاه پتروشیمی

صفحه ۴



صفحه ۱۵

گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با بان‌کی مون، دبیرکل سابق سازمان ملل

تهدید برجام فراتر از ایران است

همه باید تلاش کنند ایران روابطی مثبت و قوی با احترام متقابل با جامعه بین‌المللی داشته باشد

عکس: Reuters

ادامه واکنش‌ها به اختلاف آیت‌الله یزدی و آیت‌الله لاریجانی

ریش‌سفیدی جنتی

گروه سیاست: ماجرای اختلاف محمد یزدی و صادق آملی‌لاریجانی، دو عضو فقیه شورای نگهبان که از قضا هر دو سابقه ریاست در دستگاه عدلیه کشور را در کارنامه خود دارند، به پادرمیانی و واکنش و انتقاد بسیاری منجر شده است...

صفحه ۲

سال شانزدهم • شماره ۳۵۰۵ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

کاسه داغ‌تر از آتش نباشیم

سیدمصطفی هاشمی‌طبا



چندی پیش در یکی از شبکه‌های سیمای جمهوری اسلامی، محمدرضا باهنر، چهره سرشناس سیاسی کشور، با یکی از مجریان این شبکه به مصاحبه نشسته بود. مصاحبه درباره ریاست‌های کلی کشور به‌ویژه درباره با توافق‌نامه برجام بود. طبیعی است تلاش برای روشن‌کردن مسائل مربوط به یک توافق‌نامه، امری پسندیده و نشانگر بلوغ سیاسی و قراردادی بوده و موجبات رشد افکار عمومی را فراهم می‌آورد؛ اما چنانچه این مصاحبه و تحلیل از صورت بررسی و گفت‌وگوی دوجانبه خارج شود و فردی بر مواضع خود پافشاری کند و نکات مختلفی را بارها از طرق مختلف محل پرسش قرار دهد، موضوع متفاوت شده و چنین استنباط می‌شود که مجری با پافشاری و طرح متفاوت یک موضوع، در موضع بازجوی امنیتی نشسته و گمان می‌برد می‌تواند از دهان مصاحبه‌شونده سخنان خاصی را بشنود. طبیعی است در هر مذاکره بین‌المللی یا حتی در مذاکرات عادی در جامعه، افراد استدلال‌هایی برای خود دارند که به دلایل مختلف نمی‌توانند بیان کنند. آقای محمدرضا باهنر در این مصاحبه هرچه استدلال‌های معمول، معقول و واقع‌بینانه درباره مسائل سیاسی و برجام را بیان می‌کرد، با بی‌اعتنایی مواجه می‌شد و ظاهراً مصاحبه‌کننده می‌خواست در شرایط تکرار برخی نکات، استدلال‌هایی را در دفاع از برجام از ایشان بشنود که دشمن بتواند از آن سوءاستفاده کند. در همین‌جا باید به این نکته اشاره کرد که دکتر روحانی، رئیس‌جمهوری و دکتر ظریف، وزیر امور خارجه، با وجود همه حملات ناجوانمردانه‌ای که در رابطه با برجام به ایشان شده و می‌شود، هرگز استدلال‌های محکمی را که در دفاع از برجام دارند و بیان آن موجب سوءاستفاده دشمن می‌شود، بر زبان نرانده‌اند و همچنان استدلال‌هایی را که دشمن نتواند از آن سوءاستفاده کند، در دفاع از توافق‌نامه برجام بیان کرده‌اند و داغ حسرت یک کلمه را که دشمن از آن سوءاستفاده کند، بر دل دشمن گذاشته‌اند.

ریاست‌جمهور و وزیر امور خارجه می‌توانند کلماتی را در دفاع از برجام بر زبان آورند که مخالفان یا مظاهران به مخالفت با برجام، یکسره قانع یا از ادامه مخالفت ناامید شوند و این نویسنده نیز در اندیشه خود چنین استدلال‌هایی را دارد؛ اما بیان آن موجب سوءاستفاده دشمنان جمهوری اسلامی خواهد شد؛ بنابراین ایشان، سختی حملات ناجوانمردانه را تحمل می‌کنند، بااین‌حال کلمه‌ای که موجب سوءاستفاده دشمن شود، بر زبان نمی‌رانند. درعین‌حال پدیده عجیبی در جریان است و گروهی به‌جای آنکه در مقابل دشمنان موضع بگیرند، سعی در ملوک‌کردن مسئولان دارند و با وجود ظاهر به ولایی بودن، اراده ولایت را در محاسبات خود در نظر نمی‌گیرند؛ یا می‌گویند رئیس‌جمهور خائن، وزیر خارجه خائن و رئیس سازمان انرژی خائن، پیمان استعماری برجام را فراهم کردند و رئیس مجلس خائن آن را به زور در مجلس به تصویب رساند و سایر نهادها نیز به این خیانت گردن نهاده‌اند. از این بدتر و تأسف‌آورتر اینکه می‌گویند تحریم ظرفی از سوی آمریکا، نمایشی است و آمریکا برای آنکه مهره خود را نگه دارد، ظاهراً به تحریم ظرفی اقدام کرده است تا وجود ظرفی در ایران موجه جلوه کند. همین افراد که به مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی حمله می‌کنند و می‌گویند جام زهر را او به دست امام داد (زهر بر فرانسه انقلاب در رحلت آیت‌الله هاشمی نوشتند هاشمی ۵۰ سال با ایشان دوستی می‌ورزید) و اصولاً ملوک‌کردن شخصیت‌های جمهوری اسلامی را در دستور کار قرار داده‌اند تا اعتماد مردم به نظام را سست کنند، خوب است به نظرات سردار باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، درباره قطع‌نامه ۵۹۸ توجه کنند؛ هرچند انسان خواب را می‌توان بیدار کرد، ولی آنکه خود را به خواب زده است هرگز نمی‌توان بیدار کرد و اینان از طبقه دوم هستند.

آنچه در برجام آمده، روشن و واضح است؛ محدودیت‌هایی بر کشورمان در زمینه فراوری هسته‌ای و برطرف‌کردن محدودیت‌های کشورمان در عرصه جهانی و لغو قطع‌نامه‌های شورای امنیت علیه کشورمان. اگر رهبر فرانسه انقلاب در مواردی ناراضیاتی خود را از برجام - و بیشتر بدعهدی و بدسگالی آمریکا- بیان داشتند، یقیناً رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و رئیس سازمان انرژی اتمی نیز چندان رضایت نداشتند...

ادامه در صفحه ۲

تیترا

واکنش هنرمندان به سگ‌کشی

دراین بیانیه اسامی محمدعلی کشاورز رضا کیانیان، سیمین معتمدآریا، میترا حجار نوید محمدزاده، کمال تبریزی، شمس لنگرودی بهرام رادان و... دیده می‌شود

صفحه ۱۳

تیترها

کسی به گشتی بلیت هواپیما نمی‌فروشد

صفحه ۱۴

جلایی‌پور:

میرسلیم می‌گفت بخش خصوصی نباید روزنامه داشته باشد

صفحه ۶

رانت پیدا و پنهان خودروسازان

صفحه ۴

ضرغامی:

آدم‌های مستقل را دوست دارم، از آقا اجازه‌ها متنفرم

صفحه ۲

حرف اول

اهمیت استقلال حوزه‌ها

مصطفی ایزدی



۱. یکی از دغدغه‌های مهمی که از آغاز پیروزی انقلاب نزد علمای دلسوز و آندنگر وجود داشت و به دفعات از زبان آنان شنیده می‌شد، موضوع استقلال حوزه‌های علمیه و روحانیونی که وظیفه اصلی‌شان هدایت دینی جامعه است، در روش و منش پیشینیان که وابستگی‌نداشتن به دولت و همراهی با مؤمنین و مؤمنات بوده، پیروی کنند، روابط مردم با آنها ترمیم می‌شود. اگرچه نگارنده معتقد است با گسترش شیوه‌های نوین آموزشی و افزوده‌شدن بر دانشمندان دین‌شناس غیرحوزوی، نوعی انتقال آرام از حوزه‌های سنتی به دیگر پایگاه‌های علمی، اجتناب‌ناپذیر است؛ اما چنانچه خود حوزویان از جدل‌ها دست بردارند و در اندیشه حفظ جایگاه پیشین و تاریخی خویش باشند، می‌توان امیدوار بود که رقیب دانشگاهی با پس بکشد و مردم- به‌ویژه جوانان متدین - نیز اعتماد به روحانیت اصیل را بازبندند. شک نباید کرد که امروزه مفهوم رجوع جاهل به عالم مانند گذشته و پذیرفتن بی‌مجاذه نظرات دیگران، تا حدود زیادی به هم ریخته است. درک و فهم مطالب در میان امروزیان و رجوع سریع و آسان به کتاب‌های مکتوب و مجازی، شیوه کسب اطلاعات آزادانه‌ای است که همه‌جا را فراگرفته و همگان را به سمت‌وسوی آن سوق داده است. حال اگر در این میان، خود روحانیون شیعی که از گذشته هویت صنفی مثال‌زدنی داشتند، به تضعیف یکدیگر بپردازند؛ امید بهسازی رابطه مردم و آنان از بین می‌رود.

سخنان اخیر آیت‌الله شیخ محمدیزدی، رئیس حوزه علمیه قم، درباره آیت‌الله علوی‌بروجردی و چند روز پیش از آن اعلام ضرورت دخالت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در انتخاب مرجع تقلید و اقدامات سال‌های گذشته این تشکل در برخورد با مرجعیت آیت‌الله‌العظمی صناعی و پیش‌تر از آن به‌رسمیت‌نشاختن جمعی از شناخته‌شده‌ترین مراجع تقلید توسط همین جامعه مدرسین، نشان‌دهنده این واقعیت تلخ است که حوزه‌های علمیه و نهاد روحانیت از درون آسیب‌پذیر شده که نتیجه آن تضعیف مقام مرجعیت است. در چنین شرایطی این پرسش پیش می‌آید که آیا حوزویان به فکر آسیب‌زدایی از صنف خود هستند؟

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

چپ تخیلی در سرزمین عجایب

بستگی به این دارد که کجا می‌خواهی بروی؟ آلیس: درست نمی‌دانم کجا! گریه: پس مهم نیست از کدام راه بروی!

دو، نقد روش‌شناسانه دیگر من پیروی مشایخی از اکونومیسم و منطق صوری بود. برای آشکارکردن آن از نظر لنین در دو تاکتیک سوسیال‌دموکراسی در انقلاب دموکراتیک بهره گرفتم. توضیح بیشتر اینکه در کشوری امپریالیستی مانند روسیه تزاری نیز بورژوازی ملی از ترس و ضعف نمی‌خواست و نمی‌توانست خلاف بورژوازی ملی کشورهای پیشرفته‌تر، انقلاب دموکراتیک را راهبری کند که منافع کاملش را تحقق می‌بخشید؛ اما ازآنجاکه این انقلاب ضرورت تاریخی بود و برای تحقق هر نوع سوسیالیسمی (که در زمان انقلاب دموکراتیک باید پیگیرتر از بورژوازی باشد (البته به طور مستقل، نه تابع بورژوازی) تا هژمونی به دست آورد و جامعه را برای رسیدن به سوسیالیسم راهبری کند. دراین‌میان منشویک‌ها با اکونومیسم و منطق صوری خود استدلال می‌کردند که به دلیل ضرورت انقلاب دموکراتیک، طبقه کارگر نباید مستقل عمل کند؛ چون بورژوازی می‌رمد. من همه اینها را به طور مفصل و با نقل قول در بند ۲-الف آورده بودم و تکرار نمی‌کنم. سه، نقد روش‌شناسانه سوم این بود: «ازآنجاکه جبهین از سرمایه‌داری نامکم است، اگر بورژوازی ملی در چارچوب دولت ملی موجودیت نیابد، شکل‌بندی اقتصادی اجتماعی سرمایه‌داری ظهور نخواهد کرد و برپایی سوسیالیسم در کشوری عقب‌مانده ممکن نیست. نتیجه اینکه سوسیالیسم دموکراتیک مشایخی نیز هیچ‌وقت در کشورهای پیرامونی مانند ایران تحقق‌یافتنی نخواهد بود؛ یعنی مشایخی با افسانه و غیرممکن‌دانستن بورژوازی ملی، سوسیالیسم دموکراتیک را به رؤیا و تخیلی غیرممکن‌تر تبدیل می‌کند». به این نکته مشایخی با نقد تک‌راستابودن مارکس، تلویحاً این‌گونه جواب داده است که جبهیدن ممکن است. من سه نظریه اصلی را با این باور می‌شناسم: نارودنیک‌ها، تروتسکیست‌ها و طرفداران راه رشد غیرسرمایه‌داری هنگامی که سوسیالیسم دولتی وجود داشت. امیدوارم مشایخی پیرو هیچ‌یک نباشد.

همان نقش را ایفا کند». نه آنکه موجودیتش افسانه و... باشد که حرفی من‌دراوردی است؛ به‌همین‌دلیل نیز طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک باید پیگیرتر و پیشروتر از بورژوازی ملی باشد و درعین‌حال آن را متلف خود بشمارد. پنج، در بند سه از پاسخ نخست گفته بودم: «حال برای آنکه بدانیم بهره‌گیری از سرمایه‌داری علیه سرمایه‌داری توهم است یا نه، به مارکس در نبردهای طبقاتی در فرانسه رجوع می‌کنیم». روشن است نقل‌قول من از مارکس تنها برای نشان‌دادن امکان بهره‌گیری از سرمایه‌داری علیه سرمایه‌داری بود، نه مشابهت نقش بورژوازی ملی کشورهای پیرامونی با مرکزی. این موضوع که باید از تضاد بین کشورهای سرمایه‌داری و نیز جناح‌های سرمایه‌داری برای گشودن راه آزادی خلق‌ها و زحمتکشان بهره گرفت. آن‌قدر روشن هست که نیاز به بحث بیشتر نباشد. این هم روشن که مشایخی که پاسخی برای نقدهای روش‌شناسانه من نداشته، بحث را به مارکس و نسبت دیدگاه تک‌راستا به وی می‌کشاند. این سخنی ناروا برای کسی است که دیالکتیک را به تاریخ وارد کرد حتی اگر کوین اندرسن گفته باشد. مارکس به‌هیچ‌وجه نگفته بود «سرمایه‌داری جهان تصویری قرینه از سرمایه‌داری کشورهای مرکز را در کشورهای پیرامونی ایجاد خواهد کرد». وی گفته بود که سرمایه‌داری جهانی خواهد شد که شد؛ گفته بود تا زمانی که سرمایه‌داری بتواند نیروهای مولده را رشد دهد، قابل سرنگونی نیست که نشده است؛ گفته بود اگر کسی خطر بورژوازی را از استبداد بیشتر نشان دهد، متراکب مطلوب آن می‌شود که همواره چنین بوده است.

شش، مارکس در دیپاچه چاپ اول سرمایه (۱۸۶۷) نوشته بود: «هنگامی که جامعه‌ای در مسیر قانون طبیعی تکامل خویش افتاده است- هدف غایی ما در این همین است که قانون اقتصادی تکامل اجتماع نوین را کشف کنیم- نمی‌تواند از مراحل تکامل خود بجهد و نه اینکه ممکن است به‌وسیله فرمان این مراحل را زائل کند. آنچه که می‌تواند این است که درد زایمان را کوتاه‌تر و ملایم‌تر کند». اما این عبارت نقل‌شده از مارکس توسط مشایخی که «روسیه به شیوه‌ای غیرسرمایه‌داری و ترقی‌خواهانه می‌تواند مدرنیزه شود، تنها یک احتمال انگیزه‌بخش در گوشه‌ای از یک نامه در جواب یک رادیکال روس بود، که فروپاشی سوسیالیسم دولتی نادرستی آن احتمال را نیز به اثبات رساند. عبارت مذکور مورد استناد بسیاری بود که جوابشان را لنین این‌گونه داد: «مارکسیسم بطلان هذیان‌گویی نارودنیک‌ها و آثارشسیست‌ها را که تصور می‌کردند مثلاً روسیه می‌تواند راه تکامل سرمایه‌داری را نییامد و از

کمال اظهاری



می‌گوشم هرچه کوتاه‌تر به یادداشت مشایخی عزیز «شب تیره سرمایه‌داری و اسطوره بورژوازی ملی» که در پاسخ به یادداشت نگارنده در «شرق» منتشر شد، پاسخ دهم؛ زیرا بنا نیست خواننده با دو یادداشت جدلی ما به نتیجه نهایی درباره راه توسعه برسد که راهی طولانی برای دستیابی به آن در پیش است. هدف اصلی من در این پاسخ (چون پاسخ نخست) دعوت از خوانندگان که بسیاری از آنها از من برداشت‌تر و رادیکال‌تر می‌توانند باشند، برای مشارکت در یک برنامه پژوهشی و گفتمان درباره آن برای ارائه یک برنامه توسعه جایگزین به جامعه است؛ چراکه نبود آن دلیل اصلی درج‌ازدن و عقبگرد و در نتیجه طولانی‌ترشدن و پرنج‌ترشدن راه توسعه ایران بوده است. یک، خلاف برداشت مشایخی، نگارنده شتاب‌زده و با تداعی آزاد به یادداشت نخست او برخورد نکرده‌ام. این نقد، در اساس روش‌شناسانه بود که هنوز هم به جای خود باقی است. به طور مثال او در پاسخ به یادداشت نگارنده به‌درستی می‌گوید: «مسلماً هنگام اندیشیدن به سوسیالیسم دموکراتیک به‌مثابه یک پروژه باید باید میان هدف نهایی استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها فرق گذاشت و مسئله ایستگاه‌های بین راه را در نظر گرفت». یک وجه از نقد روش‌شناسانه من این بود که وقتی هنوز سوسیالیسم دموکراتیک و راه رسیدن به آن را تعریف نکرده‌اید، نمی‌توانید وجود بورژوازی ملی را ناممکن دانسته و جایگاه آن را در توسعه نفی کنید. توضیح اینکه وقتی مشخص نکرده‌اید که در این ایده سوسیالیسم دموکراتیک، نهاد بازار وجود دارد یا نه، بورژوازی به‌عنوان یک طبقه وجود خواهد داشت یا نه، سه قوه مستقل‌اند یا نه، احزاب آزادند یا نه، مشارکتی است یا انجمنی یا جماعتی یا کالزادی و... از رؤیا سخن گفته‌اید، نه هدف. پس‌ازآن نیز نمی‌توانید درباره جایگاه و وظایف هیچ‌یک از طبقات و از آن جمله بورژوازی ملی، نه در جامعه هدف و تکنیک‌ها و ایستگاه‌های بین راه، به‌ویژه تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها و ایستگاه‌های بین راه، به‌ویژه در کشوری پیرامونی مانند ایران، حکمی مشخص یا انضمامی بدهید که داده‌اید. هیچ فایده‌ای هم ندارد که فقط بگویید من آن «سوسیالیسم سابق» نیستم که کار را بدتر هم می‌کند. شبیه این گفتار معروف آلیس در سرزمین عجایب:

آلیس: به من بگو از کدام راه باید بروم؟ گریه: